

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۹۵

آیه ۱۵۷

آیه و ترجمه

۱۵۷ - الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ وَلُوْثُكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

ترجمه :

۱۵۷ - آنها که از فرستاده (خدا) پیامبر «امی» پیروی می کنند کسی که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می یابند و آنها را به معروف دستور می دهد و از منکر باز می دارد، پاکیزه ها را برای آنها حلال می شمرد، ناپاکها را تحریم می کند، و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود (از دوش و گردنشان بر می دارد آنها که به او ایمان آوردند و حمایتش کردند و یاریش نمودند و از نوری که با او نازل شده پیروی کردند آنان رستگارانند.

تفسیر :

از چنین پیامبری پیروی کنید

این آیه در حقیقت، مکمل آیه گذشته درباره صفات کسانی است که مشمول رحمت واسعه پروردگار هستند، یعنی پس از ذکر صفات سه گانه تقوی و اداء زکات و ایمان به آیات پروردگار، در این آیه صفات دیگری به عنوان توضیح برای آنها ذکر می کند و آن پیروی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است، زیرا ایمان به خدا از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و پیروی از مکتبش جدائی ناپذیر است، همچنین

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۹۶

تقوا و زکات نیز بدون پیروی از رهبری او تکمیل نمی شود.
لذا می گوید: «کسانی مشمول این رحمت می شوند که از فرستاده پروردگار پیروی کنند» (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ).

سپس برای این رسول، شش صفت علاوه بر مقام رسالت بیان می‌کند:
۱ - او پیامبر خدا است (النبی).

نبی به کسی گفته می‌شود که پیام خدا را بیان می‌کند و به او، وحی نازل می‌شود - هر چند مامور به دعوت و تبلیغ نباشد - اما رسول کسی است که علاوه بر مقام نبوت، مامور به دعوت و تبلیغ به سوی آئین خدا و ایستادگی در این مسیر می‌باشد.

در حقیقت رسالت مقامی است بالاتر از نبوت، بنابراین در معنی رسالت، نبوت هم افتاده است، ولی چون آیه در مقام تشریح و توضیح و تفصیل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، آن دو را مستقلاً ذکر کرده. در واقع آنچه به طور سربسته در مفهوم رسول افتاده، به صورت مستقل و روشن به عنوان تجزیه و تحلیل صفات او ذکر شده است.

۲ - پیامبری که درس نخوانده و از میان توده جمعیت برخاسته، از سرزمین مکه ام‌القری، کانون اصلی توحید طلوع کرده است (الامی).

درباره مفهوم «امی» که از ماده «ام» بمعنی مادر یا «امت» به معنی جمعیت گرفته شده است در میان مفسران گفتگو است، جمعی آنرا به معنی درس نخوانده می‌دانند، یعنی به همان حالتی که از مادر متولد شده باقی مانده و مکتب استادی را ندیده است، و بعضی آن را به معنی کسی که از میان امت و توده مردم برخاسته، نه از میان اشراف، و مترفین و جباران، و بعضی به مناسبت اینک که مکه را «ام‌القری» می‌گویند این کلمه را مرادف «مکی» دانسته‌اند.

روایات اسلامی که در منابع مختلف حدیث وارد شده نیز بعضی آنرا

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۹۷

به معنی درس نخوانده و بعضی آنرا به معنی مکی تفسیر کرده‌اند. ولی هیچ مانعی ندارد که کلمه «امی» اشاره به هر سه مفهوم بوده باشد و بارها گفته‌ایم که استعمال یک لفظ در چند معنی، هیچگونه مانعی ندارد، و در ادبیات عرب شواهد فراوانی برای این موضوع وجود دارد. (درباره امی بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از تکمیل تفسیر این آیه مشروحاً بحث خواهیم کرد).

۳ - «پیامبری که صفات و علامات و نشانه‌ها و دلائل حقانیت او را در کتب

آسمانی پیشین (تورات و انجیل مشاهده می کنند) (الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوراة و الانجیل).

در زمینه وجود بشارات مختلف در کتب عهدین (تورات و انجیل) حتی تورات و انجیل تحریف یافته کنونی نیز پس از تکمیل تفسیر این آیه بحث جداگانه خواهیم داشت.

۴ - «پیامبری که محتوای دعوت او با فرمان عقل کاملاً سازگار است، به نیکی‌ها و آنچه خرد آن را می‌شناسد و نزدش معروف است، دعوت می‌کند، و از بدیه‌ها و زشتی‌ها و آنچه خرد ناشناس می‌شمرد، نهی می‌نماید» (یاءمرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر).

۵ - محتوای دعوت او با فطرت سلیم هم‌آهنگ است، «طیبات و آنچه را طبع سلیم می‌پسندد، برای آنها حلال می‌شمرد، و آنچه خبیث و تنفرآمیز می‌باشد بر آنها تحریم می‌کند» (و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث).

۶ - او بسان مدعیان دروغین نبوت و رسالت که هدفشان به زنجیر کشیدن توده‌های مردم و استعمار و استثمار آنها است، نیست، نه تنه‌بندی بر آنها نمی‌گذارد، بلکه «بارها را از دوش آنان بر می‌دارد، و غل و زنجیرهایی را که

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۹۸

بر دست و پا و گردنشان سنگینی می‌کرد، می‌شکند» (و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الّتی کانت علیهم) (۱).

و چون این صفات ششگانه به ضمیمه مقام رسالت که مجموعاً هفت صفت می‌شود، رویهم‌رفته نشانه روشن و دلیل آشکاری بر صدق دعوت او است اضافه می‌کند: «کسانی که به او ایمان بیاورند و مقامش را بزرگ بشمرند و او را در ابلاغ رسالتش یاری کنند، و از نور آشکاری که با او نازل شده یعنی قرآن مجید پیروی کنند بدون شک چنین افرادی رستگارانند» (فالذین آمنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی انزل معه اولئک هم المفلحون).

«عزروه» از ماده «تعزیر» به معنی حمایت و یاری کردن آمیخته با احترام و بزرگداشت است، و بعضی گفته‌اند که اصل آن به معنی، «منع و جلوگیری» است، اگر جلوگیری از دشمن باشد، مفهوم آن یاری کردن است، و اگر جلوگیری از گناه باشد، مفهوم آن مجازات و تنبیه است، و لذا به مجازات‌های خفیف تعزیر می‌گویند.

قابل توجه اینکه در آیه فوق به جای «انزل الیه» «انزل معه» (با او نازل گردید) آمده است، در حالی که می‌دانیم شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نزولی از آسمان نداشت، ولی چون نبوت و رسالت او همراه قرآن از طرف خدا نازل شد، تعبیر به «معه» شده است.

نکته‌ها

در اینجا به چند موضوع مهم باید توجه داشت:

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۹۹

۱- پنج دلیل برای نبوت در یک آیه

در هیچیک از آیات قرآن دلائل حقانیت دعوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) همانند آیه فوق یکجا بیان نشده است، اگر درست در صفات هفتگانه‌ای که خداوند در این آیه برای پیامبرش ذکر کرده دقت کنیم، پنج دلیل روشن برای اثبات نبوت او خواهیم یافت.

نخست اینکه او «امی» بود و درس نخوانده، اما با اینحال کتابی آورد که نه تنها سرنوشت مردم حجاز را دگرگون ساخت، بلکه نقطه‌بازگشت مهمی در تاریخ بشریت بود، حتی آنها که او را به نبوت نپذیرفته‌اند در عظمت کتاب و تعلیماتش تردید ندارند، آیا از یک انسان درس نخوانده، و مکتب ندیده، و پرورش یافته یک محیط جهل و بربریت روی حسابهای عادی ممکن است چنین کاری انجام‌پذیرد؟

دوم اینکه دلائل نبوت او با تعبیرات مختلف در کتب آسمانی پیشین وجود دارد آنچنانکه انسان را به حقانیت او مطمئن می‌سازد، بشاراتی در آنها آمده است که تنها بر او تطبیق می‌گردد.

سوم اینکه محتویات دعوت او با عقل و خرد سازگار است، زیرا دعوت به معروف و نهی از منکرات و زشتیها می‌کند، و این موضوع با مطالعه تعلیماتش به خوبی روشن است.

چهارم محتویات دعوت او با طبع سلیم و فطرت هماهنگ است.

پنجم اگر او از طرف خدا نبود، حتماً به خاطر منافع خویش دست به چنین کاری می‌زد و در این صورت نه تنها نباید غل و زنجیرها را از مردم بگشاید بلکه باید آنها را همچنان در جهل و بیخبری نگهدارد تا بهتر بتواند آنها را استثمار کند، در حالی که می‌بینیم او زنجیرهای گران را ازدست و پای بشریت

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۰۰

زنجیر جهل و نادانی از طریق دعوت پیگیر و مستمر به علم و دانش.
زنجیر بت پرستی و خرافات از راه دعوت به توحید.
زنجیر انواع تبعیضات و زندگی طبقاتی از طریق دعوت به اخوت دینی
و برادری اسلامی، و مساوات در برابر قانون.
و زنجیرهای دیگر، هر یک از اینها به تنهایی دلیلی است بر حقانیت دعوت او و
مجموع آنها دلیلی روشنتر.

۲ - چگونه پیامبر امی بود؟

درباره مفهوم «امی» همانطور که در بالا گفته شد، سه احتمال معروف
وجود دارد، نخست اینکه به معنی درس نخوانده است، دوم اینکه به معنی
کسی است که در سرزمین مکه تولد یافته و از مکه برخاسته است، سوم به
معنی کسی است که از میان امت و توده مردم قیام کرده است، ولی معروفتر از
همه تفسیر اول است که با موارد استعمال این کلمه نیز سازگارتر می باشد، و
همانگونه که گفتیم ممکن است هر سه معنی با هم مراد باشد.
در اینکه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به مکتب نرفت و خط
ننوشت، در میان مورخان بحثی نیست و قرآن نیز صریحا در آیه ۴۸ سوره
عنکبوت درباره وضع پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از بعثت
می گوید و ما کنت تتلوا من قبله من کتاب و لا تخطه بيمينک اذا لارتاب
المبیطلون: «پیش از این نه کتابی می خواندی و نه با دست خود چیزی
می نوشتی تا موجب تردید دشمنانی که می خواهند سخنان ترا ابطال کنند
گردد».

اصولا در محیط حجاز به اندازه های باسواد کم بود که افراد باسواد کاملاً معروف
و شناخته شده بودند، در مکه که مرکز حجاز محسوب می شد تعداد کسانی که
از مردان می توانستند بخوانند و بنویسند از ۱۷ نفر تجاوز نمی کرد

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۰۱

و از زنان تنها یک زن بود که سواد خواندن و نوشتن داشت.
مسلمانان در چنین محیطی اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نزد معلمی

خواندن و نوشتن را آموخته بود کاملاً معروف و مشهور می‌شد. و به فرض اینکه نبوتش را نپذیریم او چگونه می‌توانست با صراحت در کتاب خویش این موضوع را نفی کند؟ آیا مردم به او اعتراض نمی‌کردند که درس خواندن تو مسلم است، این قرینه روشنی بر امی بودن او است.

و در هر حال وجود این صفت در پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تأکیدی در زمینه نبوت او بود تا هر گونه احتمالی جز ارتباط به خداوند و جهان ماوراء طبیعت در زمینه دعوت او منتفی گردد.

این در مورد دوران قبل از نبوت و اما پس از بعثت نیز در هیچیک از تواریخ نقل نشده است که او خواندن و نوشتن را از کسی فرا گرفته باشد، بنابراین به همان حال امی بودن تا پایان عمر باقی ماند.

ولی اشتباه بزرگی که باید در اینجا از آن اجتناب کرد این است که درس نخواندن غیر از بی‌سواد بودن است و کسانی که کلمه «امی» را به معنی «بی‌سواد» تفسیر می‌کنند، گویا توجه به این تفاوت ندارند.

هیچ مانعی ندارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به تعلیم الهی، خواندن - یا - خواندن و نوشتن را بداند، بی آنکه نزد انسانی فرا گرفته باشد، زیرا چنین اطلاعی بدون تردید از کمالات انسانی است و مکمل مقام نبوت است.

شاهد این سخن آن است که در روایاتی که از امامان اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده می‌خوانیم: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌توانست بخواند و یا هم توانائی خواندن داشت و هم توانائی نوشتن.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۰۲

اما برای اینکه جائی برای کوچکترین تردید برای دعوت او نماند از این توانائی استفاده نمی‌کرد.

و اینکه بعضی گفته‌اند توانائی بر خواندن و نوشتن، کمالی محسوب نمی‌شود، بلکه این دو علم کلیدی برای رسیدن به کمالات علمی هستند نه علم واقعی و کمال حقیقی پاسخ در خودش نهفته است، زیرا آگاهی از وسیله کمالات خود نیز کمالی است روشن.

ممکن است گفته شود در دو روایت که از ائمه اهل بیت (علیه‌م السلام) نقل شده، صریحاً تفسیر «امی» به درس نخوانده، نفی گردیده است، و تنها به معنی کسی که به «ام القری» (مکه) منسوب است تفسیر شده.

در پاسخ می‌گوئیم یکی از این دو روایت به اصطلاح «مرفوعه» است و سند آن فاقد ارزش، و روایت دوم از «جعفر بن محمد صوفی» نقل شده که از نظر علم رجال شخص مجهولی است.

و اما اینکه بعضی تصور کرده‌اند که آیه دوم سوره جمعه یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و آیات دیگری که به این مضمون است دلیل بر آن است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قرآن را از روی نوشته بر مردم می‌خواند کاملاً اشتباه است، زیرا تلاوت هم به خواندن از روی نوشته گفته می‌شود و هم به خواندن از حفظ، کسانی که قرآن یا اشعار یا ادعیه را از حفظ می‌خوانند، تعبیر به تلاوت در مورد آنها بسیار فراوان است. از مجموع آنچه گفتیم چنین نتیجه می‌گیریم که:

۱- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به طور قطع، نزد کسی خواندن و نوشتن را فرا نگرفته بود، و به این ترتیب یکی از صفات او این است که نزد استادی درس نخوانده است.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۰۳

۲- هیچگونه دلیل معتبری در دست نداریم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از نبوت یا بعد از آن عملاً چیزی را خوانده یا نوشته باشد.

۳- این موضوع منافاتی با آن ندارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به تعلیم پروردگار قادر بر خواندن یا نوشتن بوده باشد.

بشارت ظهور پیامبر در کتب عهدین

گرچه شواهد قطعی تاریخی و همچنین محتویات کتب مقدسه یهود و نصاری (تورات و اناجیل) نشان که اینها کتابهای آسمانی نازل شده بر موسی و عیسی (علیهما السلام) نیستند و دست تحریف به سوی آنها دراز شده است بلکه بعضی از میان رفته‌اند و آنچه امروز به نام کتب مقدسه در میان آنها است مخلوطی است از زائیده‌های افکار بشری و قسمتی از تعلیماتی که بر موسی (علیه السلام) و عیسی (علیه السلام) نازل گردیده و در دست شاگردان بوده.

بنابراین اگر جمله‌هایی که صراحت کامل درباره بشارت ظهور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) داشته باشد در آنها دیده نشود جای تعجب نخواهد بود.

ولی با این حال در همین کتب تحریف یافته عباراتی دیده می‌شود که اشاره

قابل ملاحظه‌های به ظهور این پیامبر بزرگ دارد که جمعی از دانشمندان ما آنها را در کتابها یا مقاله‌هایی که در این موضوع نگاشته‌اند جمع‌آوری نموده، و چون ذکر آنهمه بشارات و بحث و گفتگو پیرامون دلالت آنها بطول می‌انجامد ما تنها به چند قسمت به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم.

۱ - در تورات سفر تکوین فصل ۱۷ شماره ۱۷ تا ۲۰ چنین می‌خوانیم: «و ابراهیم به خدا گفت که ای کاش اسماعیل در حضور تو زندگی نماید ... و در

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۰۴

حق اسماعیل (دعای) ترا شنیدم اینک به او برکت دادم و او را بارور گردانیده به غایت زیاد خواهم نمود و دوازده سرور تولید خواهد نمود و او را امت عظیمی خواهم نمود».

۲ - در سفر پیدایش باب ۴۹ شماره ۱۰ می‌خوانیم: «عصای سلطنت از یهودا و فرمانفرمائی از پیش پایش نهضت خواهد نمود تا وقتی که «شیلوه» بیاید که به او امتهای جمع خواهد شد.» قابل توجه اینکه یکی از معانی شیلوه - طبق تصریح مسترها کس در کتاب قاموس مقدس - فرستادن می‌باشد و با کلمه «رسول» یارسول الله موافق است.

۳ - در انجیل یوحنا باب ۱۴ شماره ۱۵ و ۱۶ چنین می‌خوانیم: «اگر شما مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید و من از پدر خواهم خواست و او تسلی دهنده دیگر به شما خواهد داد که تا به ابد با شما خواهد ماند».

۴ - و در همان انجیل یوحنا باب ۱۵ شماره ۲۶ می‌خوانیم: «و چون آن تسلی دهنده بیاید که من از جانب پدر به شما خواهم فرستاد یعنی روح راستی که از طرف پدر می‌آید او درباره من شهادت خواهد داد.»

۵ - و نیز در همان انجیل یوحنا باب ۱۶ شماره ۷ به بعد می‌خوانیم: «لیکن به شما راست می‌گویم که شما را مفید است که من بروم که اگر من بروم آن تسلی دهنده به نزد شما نخواهد آمد اما اگر بروم او را به نزد شما خواهم فرستاد ... اما چون او یعنی روح راستی بیاید او شما را به تمامی راستی ارشاد خواهد نمود، زیرا که او از پیش خود سخن نخواهد گفت بلکه هر آنچه می‌شنود خواهد گفت و شما را به آینده خبر خواهد داد.»

نکته شایان توجه اینکه: در اناجیل فارسی در جمله‌های بالا که از انجیل یوحنا است کلمه «تسلی دهنده» آمده، ولی در انجیل عربی چاپ لندن (مطبعه ویلیام و طس - سال ۱۸۵۷) به جای آن «فارقلیطا» ذکر شده است.